

متن پرسش

سلام علیکم: با عرض سلام و تبریک سال نو و آرزوی موفقیت روز افزون برای استاد گرانقدر شرمنده که مجدداً مزاحم میشم. بنده از طلبه های قزوین هستم و چندی قبل از شما سوالی راجع به ارتباط با یکی از دوستان داشتم که فرمودید از ایشان بخواهید مطالعه کتاب و... را بر عهده خودتان بگذارید و از رابطه مرید و مراد بازی بپرهیزید. بنده بالأخره اون نوع رابطه ام با اون دوست بزرگواری که واقعا به گردنم حق دارد قطع شد و از شما به خاطر مشورتتان تشکر می کنم. بنده تقریباً ۶ - ۷ سالی (دو سه سال قبل از ورود به حوزه) است که کما بیش وارد مباحث معرفتی و ارتباط با کتب علما اعلی الله مقامهم شده ام ولی چون غالباً در انتخاب کتاب و فکر مستقل نبوده ام متأسفانه نوعی عدم رشد کافی و مدیریت در خود احساس می کنم و شاید بتوان گفت که از فضای خودم خارج می شوم. بحمد الله استعداد ذهنی و فکری خوبی هم خداوند به بنده عنایت کرده است و در مورد دروس رسمی حوزه مشکلی ندارم. با عرض پوزش از اطاله کلام چند سوال داشتم: ۱. از این به بعد آیا شما برای بنده ارتباط خصوصی با اساتید و شرکت در جلساتشان را توصیه می کنید یا نه؟ متأسفانه در قزوین وضع جلسات اخلاقی خیلی تعریفی ندارد و بنده به شدت احساس می کنم که باید با یک استاد در ارتباط باشم، مرا موعظه کند و قلبم را بیدار کند. آیا در پی استادی باشم یا نه؟ (مدتی است که حتی بر سر انتقالی گرفتن به اصفهان هم فکر می کنم، یا تهران و ارتباط با استاد احمد عابدی ایدالله اگر بپذیرند). شرمنده من راستش رو میگم اگر چه که میگن «هر راست نشاید گفت» چون معتقدم با کسی که از او مشورت می گیرم رو راست باشم. ۲. در کل آیا انسان می تواند خودش به سراغ کتاب های علماء برود و تکلیف خود را بفهمد و سیر کند، اگر چنین است پس اینکه می گویند در این صورت «من» انسان برای خودش تعیین تکلیف می کند یعنی چه؟ استاد که اینقدر سفارش شده جایگاهی دارد؟ ۳. ذهن بنده خوشبختانه یا متأسفانه یک مقدار قابل توجهی جوال است و اصطلاحاً حس کنجکاو قوی دارم، در مورد مسائل فردی و سلوک شخصی نقطه ابهام های زیادی در ذهنم دارم و متأسفانه همراه با آشفتگی. در مورد ادامه راه مطالعات دینی چه توصیه ای دارید؟ (تمرکز بر سر نقاط ابهام یا... گاهی با دیدن اختلاف نظرهای علماء به این نتیجه می رسم که شاید تنها راه برون رفت از این آشفتگی و پیدا کردن راه، انس با قرآن و تفسیر است، وقتی می خواهم به سراغ کتاب علما بروم می بینم این عالم در این موضوع کتاب دارد، آن عالم هم دارد و... و با دیدن اختلاف نظرها آشفتگی تر از قبل به نقطه اول بر می گردم. ۳. آیا شما تمرکز بر روی کتاب های یک عالم مثلاً آیت الله جوادی آملی حفظه الله یا حضرت امام رضوان الله علیه را برای بنده صحیح می دانید یا نه از همه علما حتی المقدور

استفاده کنم؟ ۴. بنده الان اگر اراده ازدواج بکنم پدرم حمایت می کند و این شاء الله مشکل مالی چندانی نخواهم داشت با توجه به اینکه هم در خود نیاز جنسی و هم نیاز عاطفی احساس آیا اقدام به این امر را شما صلاح می دانید؟ (آیا انسان برای رفع نیازش اقدام به ازدواج بکند مصداق روایت «من أنکح لله أصاب ولایة الله» می تواند باشد). ۵. آیا ازدواج مانعی برای سلوک بنده نخواهد بود؟ شاید که نه حتما در صورت مجرّد بودن می توانم بیشتر و عمیق تر بر روی دروس حوزوی کار کنم؟ ۶. در مورد دروس رسمی حوزه هم بنده یک مقداری شاید بتوان گفت وسواسی هستم و همواره سعی می کنم مثلا در ادبیات، منطق، اصول و... بگردم و حرفی را که مستدل است بپذیرم و نه هر حرفی را، لذا به کتاب های مختلف مراجعه می کنم و شاید بتوان گفت مطالعه زیادی می کنم که همین کثرت کار علمی غالبا باعث این می شود که در نماز و ... تمرکز ذهن ندارم چه برسد به حضور قلب؟ اینکه برخی از علما می گویند کار علمی طلبه همان ذکر اوست یعنی چه؟ ۷. میل زیادی به علم دارم که اگر با خودم باشد دوست دارم هیچ نخواهم و فقط درس بخوانم (البته هر مطلبی نمی خوانم سعی دارم در فضای درسی و معرفتی باشد)، آیا در پی این میل رفتن و مطالعه کردن غلط است؟ بنده می ترسم از آن کسانی باشم که روز قیامت جزو اولین گروهی هستند که وارد جهنم می شوند و به ایشان می گویند شما برای خدا درس نخواندید بلکه برای این بود که نگویند نمی دانید؟ اگر لطف کنید و سوال را بر روی سایت نگذارید ممنون می شوم. با عرض پوزش مجدّد، خیلی عذر می خواهم، خیلی طولانی شد ببخشید. جزاکم الله خیراً. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- بالاخره باید اگر می توانید با صوت هم که شده درس اخلاق و تذکری داشته باشید ۲- اساتید محترم به این امید این کتابها را نوشته اند که با ما سخن بگویند ۳- مطالعه ای کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» را پیشنهاد می کنم. مطالعه ای آثار علمایی که سیره ای حضرت امام و علامه طباطبایی را دنبال می کنند برای طلبه لازم است ۴ و ۵- اگر به درس هایتان لطمه نمی زند، اشکال ندارد ۶- باید مزه ای عبادات و انس با خدا را به قلب چشانند ۷- علم جویی در مسیر دین، یک نحوه حقیقت یابی و تقرب به خدا می تواند باشد. موفق باشید